

ورزشکستگي آمريکا

■ آنچه «بن برنانکه» رييس بانک ناشر اسکناس آمريکا، در کنگره گفت:نشان می‌دهد که وضع اقتصادی آمريکا تا چه حد خراب است. او با توجه به نبرد سختی که در حال حاضر ميان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها بر سر بودجه آمريکا در جريان است، نسبت به کاهش جدی ميزان بودجه هشدار داد و گفت که چنين کاری می‌تواند مختصر حرکت کنونی در عرصه اقتصاد را نيز متوقف کند. او در عين حال يادآور شد که می‌توان باز هم به چاپ دلار روی آورد و سومين مرحله آن را عملی کرد. البته برداشتن اين گام سبب پيدايش موج تازه‌ای از سوداگری بر سر سيل دلاری خواهد شد که به بازار جاری شده است، مضافا اينکه اين امر بر تورم خواهد افزود و دلار آمريکا را بازم ضعیف‌تر خواهد کرد.

موسسه ارزش گذاری «استاندارد و پورز» تهديد کرده است که در همين ماه جاری را قابليت اعتماد به دلار خواهد کاست. همين موسسه، چهار ماه پيش قابليت اعتماد به دلار را در درازمدت منفی ارزیابی کرده بود. بنابر اين، جای شگفتی نيست که چين به‌عنوان بزرگ‌تر ترين وام‌دهنده به آمريکا، با پيش از ۱/۱بيليون‌دلار طلب از آن کشور، خواستار تضمين سرمايه‌گذاری‌هايش شده است. در عين حال موسسه ارزش گذاری چين موسوم به «داگونگ» اعلام کرد که چند عامل بازپرداخت بدهي‌ها را برای آمريکا دشوارتر خواهد کرد. موسسه «اگوتنگ» در نوامبر سال ۲۰۱۰ قابليت اعتماد به باز پرداخت بدهی آمريکا را با سه درجه کاهش به «+» تقليل داد.

همزمان با اين، راه رفتن روی بند خبرهای حوزه يورو نيز هراس‌انگيز است.مسائل زاین پس از فاجعه‌های بهاری نيز تاثيری منفی بر اوضاع جهانی اقتصاد گذاشته است. از ماه مارس تاکنون ۴۵هزار نفر بر تعداد بیکاران به ثبث رسیده در آمريکا افزوده شده است. رقم آرايش نشده بیکاری در آمريکا ۱۶٫۲درصد است، با وجود اين واشنگتن دست از اجرای اين نمايش کمدی و بسيار خطرناک برای محدودکردن مرز وام‌ها بر نمی‌دارد.

کسر بودجه‌ای که پراک اوپاما برای سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفته بود، در آغاز به ۱۰ بيليون (۱۰هزار ميليارد) دلار بالغ می‌شد. ۴۰دلار از هر ۱۰۰دلاری که دستگاه دولتي آمريکا در سال جاری هزینه کند، با وام تامين می‌شود. اين کسری به ۱/۶ بيليون دلار بالغ می‌گردد. اين برابر است با ۱۱ درصد از توليد اقتصادی آمريکا، و ۱۴۳ بيليونی که کنگره به تصويب رسانيده بود، تا ماه ژوئن توسط دولت هزینه شد. اينک دستگاه برای تامين حواص خود دست به یک حيله حسابیاتی می‌زند و از صندوق بازتشيکاري کمرمان دولتي وام می‌گيرد. اين صندوق نيز تا دم اوت خالی می‌شود. پس از آن اوپاما بايد ورزشکستگي دولت را اعلام کند. مگر اينکه بتواند تا آن زمان کنگره را که اکثریت نمايندگان آن از حزب جمهوری خواه هستند متقاعد سازد که با پيشنهاد يا مبنی بر افزايش ۲/۵بيليون دلار بر بودجه موافقت کند. جمهوری خواهان که نمی‌خواهند خطر ورزشکستگي دولت را پذيرند، علایمی نشان می‌دهند حاکمی از آمادگی برای کنار آمدن با اوپامااست. رسانه‌ها با هيچان سخن از «عامله بزرگ» ميان جمهوری خواهان و دموکرات‌های اوپاما می‌گویند و توافق آنها برای کاستن چهرابيليون از بودجه دولت. ولی از زمانی که اين کاهش بايد طی آن به انجام رسد، يعنی مدت زمان ۱۰ساله آن، سخن نمی‌گویند. اين در واقع نوعی ششیده بازی است. کاهش واقعی بايد در سال‌های پايانی، نزديک به ۲۰۲۰ صورت گيرد.

با اين دناوستد بزرگ دستگاه دولتي امکان می‌يابد حسیلی زير بار قرض ببرد. اين امر از یکسو به معنای حمايت از بانک‌ها و اقتصاد است – که مورد تاييد جمهوری خواهان استخوان‌دار نيز هست و از سوی ديگر سبب حفظ برنامه‌های خدمات اجتماعی مانند مراقبت‌های پزشکی و درمانی می‌شود. البته اين دو برنامه آخری از است در چشم «جنش میهمانی چای» (پارتی‌تاری) و نمايندگان آن در انتخابات ۲۰۱۰ کنگره و اغلب برخلاف ميل سرآمدان و حکام جمهوری خواه، به کنگره را يافتند يا اين هدف که به خسارات ناشی از «سربارها» و «تگل‌های اجتماعی» (منظور اقشار و طبقاتی هستند که از لحاظ اقتصادی ناتوان هستند. م) پايان بخشند.

بسياری از سران جمهوری خواهان از ترس آنکه در انتخابات سال ۲۰۱۲ دوباره انتخاب نشوند، از روردرویی با اصولگرايان در صفو خود امتناع می‌کنند. اينها نيز با سرورودی زیاد با هر نوع سازشی که در آن بخش چشمگیری از بودجه خدمات اجتماعی کشته نشود يا از آن يدر به افزايش ماليات برای راستگرايان بينجامد، به مخالفت برمی‌خيزند. شعار آنها مبنی بر «ورزشکستگي بهتر از قرض زياد است» نشان می‌دهد که آنها حتی از پذيرفتن ورزشکستگي کوتاهمدت نياز اينی ندارند، البته به‌خاطر «سعادت ملی». اين روند نااستوار، برای بازارهای مالی بسيار خطرناک است.

مثلا اگر دولت آمريکا قادر به پرداخت سود وام‌های دريافتی در موقت مقرر نباشد، موسسات ارزشگذاری قارنوا موظف هستند، ارزش اوراق قرضه دولتی را به حرف «دال» به معنی ورزشکستگي تقليل دهند. در اين حالت بايد موسسات بیمه برای پرداخت خسارات ناشی از عدم پرداخت به ميدان آيند، با عواقبی غير قابل پيش‌بنی برای بازار جهانی مالی، هر بانک ديگر هم که در جهان دارای اوراق وام آمريکا باشد، بايد تا مدتی که ورزشکستگي ادامه يابد، آنها را به حساب طلبی‌های سوخته بگذارد. در نتيجه آن بانک‌ها بايد باالاجايه مقادير معتنايی بر سرمايه خود بيفزایند و چون بسياری از آنها قادر به اين کار نيستند، ناچار به پذيرش سقوط و ورزشکستگي خود خواهند بود.

منبع: یونگه ولت



عکس: Reuters

گفت‌وگوی «الحیات» با عبدالرحمان شلقم (بخش چهارم)

سرهنگ در هزارتوی خویش

ترجمه: محمدعلی عسگری

فیزیک هسته‌ای تحصیل کرده‌اند، به پاکستان بفرستیم. به آنها پاسپورت‌های شخصی می‌دهیم تا کسی بو نبرد. در خلال دو یا سه سال آنها آمادگی کامل را خواهند داشت و ما دانش هسته‌ای را به طور کامل در اختیار خواهیم داشت. من دوباره مساله را باه قذافی در میان گذاشتم و او هم پذیرفت و من راهی پاکستان شدم.

■ **در پاکستان با چه کسی صحبت کردید؟**

با پرویز مشرف در کاخ ریاست‌جمهوری دیدار داشتیم و سعی کردم موضوع را با او در میان بگذارم. اما او هیچ چیز نگفت و حرف را عوض کرد؛ گوی نمی‌خواست قذافی در حال حاضر فرد پریشانی است. می‌گویند من از درگیری بافرانسوی‌ها در چاد موفق بیرون آمدم. وارد جنگ غیرمستقیم با انگلستان شدم. آمریکا مرا بمباران کرد و با من جنگید. لاکربی، یوتا، سلاح‌های کشتار جمعی، من از همه این بحران‌ها به سلامت خارج شدم.

■ **ماجرای سلاح‌های کشتار جمعی لیبی چه بود؟** رهبری و زعامت، دغدغه اصلی قذافی است و اگر قوی نباشی نمی‌توانی چنین ادعایی را مطرح کنی. اگر سلاح‌های کشتار جمعی داشته باشی سایر کشورها در برابرت ضعیف شده و تسلیم می‌شوند. مناسفانه به همین دلیل به سمت سلاح‌های کشتار جمعی از جمله اتمی، شیمیایی و میکروبی رفتند. در این راه مقادیر زیادی از

شیمیایی و میکروبی رفتند. در این راه مقادیر زیادی از

امشوال عمومی کشور به صورت مخفیانه صرف شده؛ حال آنکه من تردید دارم حاصلش سلاحی باشد. **ماجرای عبدالقدیر خان**
■ **چه کارشناسانی در پروژه برنامه‌اتمی لیبی دست داشتند؟** یکی از آنها، همان عبدالقدیر خان، دانشمند پاکستانی بود، در کنار دانشمندان لیبیایی و سایر کشورها از جمله کرشمالی. من روز سوم مارس سال ۲۰۰۰ به عنوان وزیر خارجه تعیین شدم و روز نهم همان ماه با موسی کوسا – که در آن زمان رییس سازمان اطلاعات بود – نزد قذافی رفتم. من رئیس کارم را در ۱۰ یا ۱۲ مورد خلاصه کرده بودم. به قذافی گفتم این دستور کار من است و مطابق آن می‌خواهم عمل کنم. بسیار عصبانی شد و مرا رها کرد و رفت. من با اوتومیل خودم رفتم. یک ساعت بعد موسی کوسا به دفتر من آمد و گفت طی یک هفته دیگر کنگره خلق را تشکیل می‌دهیم تا تو را برکنار کند، چون قذافی از دست تو خیلی عصبانی است. دو یا سه روز بعد قذافی مرا تنها خواست. او روش خاص خودش را داشت. به من گفت: تو دو روز پیش حرفی را زده بودی که من نفهمیدم. گاه دوست داشت جلو دیگری به او حرفی را بزنی. اما وقتی با او تنها می‌شدی وضعیت فرق می‌کرد. او به حرفی که زده بودم، فکر کرده بود. من دوباره کنگره فراگیر و نحوه حل مشکلاتمان صحبت کردم و او برای مدتی طولانی گوش داد. به او گفتم ایتالیا می‌تواند ظرف پنج سال سلاح‌های اتمی تولید کند و ژاین در خلال ۴۸ ساعت ولی فعالیت هسته‌ای ندارند. ما اگر بخواهیم فعالیت هسته‌ای داشته باشیم با ما دشمنی خواهند کرد و برای ما مشکلاتی را به وجود می‌آورند. واقعا داشت گوش می‌داد. آن زمان مهندس معتوق (محمد معتوق، مسوول برنامه هسته‌ای لیبی بود و الان وزیر زیرساخت‌هاست. قذافی به من گفت: این مساله را با معتوق در میان می‌گذارم. موضوع را با معتوق هم درمیان گذاشتم، او در جوابم گفت: عبدالرحمان نظرت چیست که ما کار دیگری نکنیم. جولان خودمان را که در رشته

رهبری و زعامت، دغدغه اصلی

قذافی است و اگر قوی نباشی نمی‌توانی چنین ادعایی را مطرح کنی. این چنین ادعایی را مطرح داشته باشی سایر کشورها در برابرت ضعیف شده و تسلیم می‌شوند. مناسفانه به همین دلیل به سمت سلاح‌های کشتار جمعی از جمله اتمی، شیمیایی و میکروبی رفتند



عکس: Reuters

دیدگاه

انتخاب متفاوت آمریکایی‌ها



توماس فریدمن

مترجم: مرجان پیشایانی

■ می‌دانستید که من یک عهدنامه امضا کرده‌ام؟ درست مثل همان عهدنامه‌هایی که اعضای جمهوری خواه کنگره به نیروهای مختلف سیاسی می‌نویسند و قول می‌دهند مالیات‌ها را بالا ببرند یا با ازدواج همجنس گرایان مخالفت کنند؟ در واقع عهد کرده‌ام با آنان که می‌خواهند با امضای عهدنامه‌ای از زیر بار مسوولیت‌های خود در این زلمله تغییرات سریع باورنکردنی و فشار اقتصادی شانه خالی کنند، عهدهی نیندم. اگر حماقت‌های مسوولان ما که قبلا انتخاب شده‌اند شما را از کوره به در برده و آرزو می‌کنید ای کاش گزینه‌هایی می‌دانستید بیش از آنچه دو حزب مطرح کشور پیش‌رویمان گذاشته‌اند، مثلا حزبی که بتواند برای حل مشکل کسری بودجه دو سال گذشته شیوه تازه‌ای پیشنهاد کند، بدانید که تنها نیستید و کمک در راه است.

پس از یک شروع سیاسی بی‌هوا هو که آرام‌آرام نشانه‌هایش را می‌توان دید، مشارکتی پایدار و بدون وابستگی به این یا آن حزب سیاسی از دل یک جمع گسترده اینترنتی در سال ۲۰۱۲ زاییده می‌شود. می‌دانم. تصور یک جمع اینترنتی به نظر حقه‌بازی می‌آید ولی گروهی کارآمد از جمهوری خواهان، دموکرات‌ها و افراد مستقلی که اوضاع فعلی سیاسی دلزده‌شان کرده بر خود نام «انتخاب آمریکایی‌ها» گذاشته‌اند و به واقع و به جد در فکر راه سومی هستند. در چند روز آینده «انتخاب آمریکایی‌ها» به طور رسمی ۱/۶ میلیون امضایی را منتشر خواهد کرد که در جریان رای‌گیری برای روند انتخابات ریاست‌جمهوری در کالیفرنیا جمع‌آوری کرده و این بخشی است از تلاشی آشکار برای جلب رای مردم در همه ۵۰ ایالت در انتخابات سال ۲۰۱۲. هدف از «انتخاب آمریکایی‌ها» در دست گرفتن نقشی است در روند انتخاب نامزدهای ریاست‌جمهوری که تاکنون در انحصار دو حزب اصلی جمهوری خواه و دموکرات قرار داشته است. در روند معرفی نامزد معتبری برای ریاست‌جمهوری که از سوی حرکتی مستقل برگزیده می‌شود افرادی که به هیچ یک از این دو حزب وابسته نیستند نه فقط در ایالت خود بلکه در سراسر خاک آمریکا می‌توانند وارد بحث‌های مربوط به انتخابات ریاست‌جمهوری شوند و سیاست‌های هر دو حزب مطرح را درباره وام‌ها، آموزش و اشتغال از دیدگاهی مستقل به چالش بکشند. «کاهیل بیرد» رییس «انتخاب آمریکایی» که در دفتر باشکوهش مشرف شده می‌گوید: «هدف ما این است که روند مشترک مردم دیگری را باز کنیم که از سیاست‌های دو حزب مطرح راضی نیستند و در عین حال تصور می‌کنند راهی نیز برای رقابت وجود ندارد و همان‌طور که این گروه در وب‌سایت خود توضیح داده این اولین فعالیت انتخاباتی از این نوع است. ما با شبکه اینترنت استفاده کردیم تا مثل رای‌دهندهای – دموکرات، جمهوری خواه یا مسطح – بتوانند درباره انتخابات ریاست‌جمهوری نظر بدهد. مردم نامزدها را از انتخاب می‌کنند و در یک گروه‌هایی ایمن اینترنتی با شرکت در رای‌گیری تاریخی نقش تاریخی خود را ایفا خواهند کرد.

البوت آکرمن، کهنه سرباز جنگ عراق که سمت رییس عملیاتی «انتخاب آمریکایی‌ها» را برعهده گرفته و موتور محرکه جریان است، شیوه کار را توضیح می‌دهد: اول فرد علاقمند به عضویت با مراجعه به سایت گروه ثبت نام می‌کند. برای ثبت نام از شما می‌خواهند به پرسش‌هایی درباره اولویت‌های سیاسی، آموزشی، سیاست خارجی و اقتصادی خود پاسخ دهید. این کار به گروه امکان می‌دهد شما را با افرادی که اهداف مشترک دارند در ارتباط قرار دهد تا در مورد نظرات خود بحث و گروه‌های هم‌فکر را سازماندهی کنند. پس از آن به شما پیشنهاد می‌دهند نامزد مورد نظر تان را معرفی کرده یا از نامزدی که قبلا معرفی شده حمایت کنید. هر کس که مایل به همکاری با گروه است باید به طور کامل به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دهد.

آکرمن می‌گوید: «پرسش‌ها، اولویت‌ها و نامزدها همگی از بین جامعه انتخاب می‌شوند نه به‌وسیله دو حزب سرسخت و متعصب». هر نامزد ریاست‌جمهوری باید به طور کامل به قانون اساسی پایبند باشد و شخصیتی داشته باشد در خور و شأن ریاست‌جمهوری ایالات متحده، پس مطمئن باشید که نام لیدی گاگا نمی‌تواند در بین نامزدها باشد. هر نامزد باید پاسخ خود به پرسش‌های «انتخاب آمریکایی» را که از سوی هیات‌های هم‌فکر گروه طرح شده به صورت نوار ویدئویی یا نوشته در اختیار همه قرار دهد. در آوریل ۲۰۱۲ تعداد نامزدها به شش نفر کاهش می‌یابد. شش نفری که با فرض مشارکت فعال انتخاب می‌شوند باید کار و همکاری خود را معرفی کنند. قانون این معرفی آن است که همکار یک دموکرات باید یک جمهوری خواه یا مستقل باشد و همکار یک جمهوری خواه باید دموکرات یا مستقل. «هر نامزد سیاسی باید بتواند خط‌کشی‌های محسوب سیاسی را پشت سر بگذارد و با فردی خارج از حزب خود به تفاهم و همکاری برسد.» در ژوئن ۲۰۱۲ پس از رای‌گیری سراسری در ۵۰ ایالت نامزد «انتخاب آمریکایی‌ها» از بین شش نامزد انتخاب می‌شود. اگر برزبدنت اوپاما هم می‌خواهد با گروه همراه شود باید همکاری غیردموکرات انتخاب کند. قدشم روی چشم!